



سنت پیامبر(ص) بدون تفسیر اهل بیت(ع) ناقص است

استادیار پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی با بیان اینکه اگر تبیین و روشنگری و تفسیر اهل بیت(ع) نباشد...

استادیار پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی با بیان اینکه اگر تبیین و روشنگری و تفسیر اهل بیت(ع) نباشد، فهم و برداشت ما از این سیره ناقص و ناتمام است، گفت: گزارشات از سنت و سیره ایشان در یکطرف و تبیین و تفسیر اهل بیت(ع) از آن هم در طرف دیگر قرار دارد.

مهدی مردانیه گزارش میکند، حجت الاسلام والمسلمین مهدی مردانی، استادیار پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۸ شهریورماه در نشست علمی «امام رضا علیه السلام و تبیین سنت نبوی» با اشاره به روایت شریف ثقلین، گفت: نبی مکرم اسلام(ص) براساس این روایت فرمودند من برای شما دو میراث گرانبها به یادگار می‌گذارم؛ انی تاریک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی؛ یعنی قرآن و عترت دو یادگار ارزشمند از ایشان است و بین این دو پیوند محکم و ناگسستنی وجود دارد. خداوند در سوره مبارکه نحل در دو آیه ۴۴ و ۶۴ به صراحت فرموده است که ای پیامبر(ص) ما قرآن را نازل کردیم و این قرآن نیازمند تبیینی است که باید از سوی تو انجام شود. تعبیر «لتبیین للناس ما نزل الیهم» در این آیات گویای این مطلب است.

وی افزود: نیازمندی قرآن به تبیین و نقش محوری پیامبر(ص) سرفصلی برای امتداد این ویژگی در عترت است که ما آن را در قالب سنت می‌شناسیم؛ عترت یعنی جانشینان به حق و شایسته پیامبر(ص) و این عترت از طریق سنت(قول و فعل و تقریر معصومین(ع)) برای نسل‌های دیگر به یادگار گذاشته شده است. البته ما از طریق روایات به سنت دسترسی داریم و آن‌ها را مطالعه می‌کنیم و براین اساس سنت پیامبر(ص) مانند قرآن نیازمند تبیین است.

مردانی با بیان اینکه واژه تبیین یک خوانش فلسفی دارد یعنی تبیین پاسخی به چرایی چیزی است، ادامه داد: در خوانش قرآنی، تبیین تقریباً برابر تفسیر یعنی کشف مراد و مقصود متکلم است. همچنین درست است که سنت نبوی، نیازمند تبیین است ولی در بین اقسام سه‌گانه سنت یعنی قول و فعل و تقریر، فعل بیش از بقیه نیازمند تفسیر و تبیین است زیرا ماهیت اجمال و ابهام دارد ولی قول، صراحت بیشتری دارد. فعل زبان ندارد و باید آن را به نطق درآوریم.

سنت پیامبر(ص) بدون تفسیر اهل بیت(ع) ناقص است

مردانی با بیان اینکه اگر تبیین و روشنگری و تفسیر اهل بیت(ع) نباشد، فهم و برداشت ما از این سیره ناقص و ناتمام است، افزود: بنابراین گزارشات از سنت و سیره ایشان در یکطرف و تبیین و تفسیر اهل بیت(ع) از آن هم در طرف دیگر قرار دارد؛ مثلاً شخصی گفته است من دقت کردم امام صادق(ع) در هنگام طواف، استلام حجرالاسود را انجام ندادند و وقتی این فرد از امام(ع) علت را پرسیدند، جواب دادند که بله پیامبر(ص) این کار را می‌کردند؛ در اینجا ما شاهد دوگانگی در رفتار پیامبر(ص) و امام صادق(ع) هستیم ولی حضرت وقتی دلیل را توضیح دادند، این دوگانگی از بین می‌رود؛ فرمودند در دوره پیامبر(ص) تعداد حجاج و زائران خانه خدا محدود و کم بود ولی الان جمعیت بسیار زیاد است و از سوی دیگر جایگاه پیامبر(ص) طوری بود که همه او را می‌شناختند و مردم برای استلام حجرالاسود از سوی ایشان راه باز می‌کردند ولی در دوره من اکثراً مرا نمی‌شناسند بنابراین ما متوجه می‌شویم که استلام واجب نیست و جزء مستحبات است.

استادیار پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی تصریح کرد: نمونه دیگر در این باره، بازکردن موی فرق از سوی پیامبر(ص) بود زیرا ایشان به علت کثرت مو، فرق باز می‌کردند؛ راوی از امام صادق(ع) سؤال کردند که آیا این کار سنت است؟ امام فرمودند بله پیامبر(ص) فرق باز می‌کردند ولی سنت نبود؛ در دوره پیامبر(ص) تلقی عموم مردم این بود که هر کاری ایشان می‌کردند، آموزه دینی است و مردم این کار را جزء سنت می‌دانستند ولی تبیین امام جالب است. ایشان فرمودند رفتار پیامبر(ص) در این ویژگی خاص فقط در یک شرایط خاص و موقعیت ویژه رخ داد یعنی ایشان قصد داشتند به زیارت کعبه بروند ولی مشرکین و کفار مکه مانع شدند و خداوند وحی فرمود که تو در آینده نزدیک توفیق خانه خدا را خواهی داشت لذا پیامبر(ص) چون می‌دانست به زیارت کعبه خواهد رفت و می‌دانست در آنجا باید موها را تقصیر و کوتاه کنند لذا منتظر ماندند تا موعد مقرر و در این فاصله فرق بین موها را باز کرده بودند.

وی ادامه داد: امام صادق(ع) در همین روایت تصریح فرمودند که نه قبل و نه بعد از این ماجرا ایشان موها را آنقدر بلند نکردند که نیازمند بازکردن فرق شود؛ به هر حال اینها میراثی است که از ائمه(ع) به دست ما رسیده است و اگر این تبیین و تفسیر نبود،

معلوم نبود ما باید چگونه سنت و سیره پیامبر(ص) را بفهمیم لذا باید از خداوند سپاسگزار باشیم.

وی با اشاره به تبیین امام رضا(ع) در سنت و سیره پیامبر(ص)، افزود: ما متأسفانه میراث زیاد و پرتعداد از امام رضا(ع) در تبیین و تفسیر سنت نداریم و به دست ما نرسیده است و امام صادق(ع) بیشترین سهم را دارند و بعد امام باقر(ع) و بعد سایر ائمه(ع). چرا پیامبر(ص) مسیر رفت و آمد متفاوتی داشتند

وی افزود: راوی از امام رضا(ع) سؤال کرد که پیامبر(ص) مقید بودند مسیر رفتار و آمدشان را متفاوت قرار دهند یعنی اگر از یک کوچه وارد مسجد می شدند از کوچه دیگر برمی گشتند و یا اگر از یک راه به زیارت کعبه می رفتند از مسیر دیگر بازگشت می کردند؛ امام رضا(ع) فرمودند بله این درست است و من هم همین رفتار را بسیار انجام می دهم یعنی هم عمل پیامبر را تأیید کردند و هم به الگوگیری خودشان از این کار اشاره فرمودند و به راوی هم توصیه کردند که تو هم این کار را بکن و آگاه باش این رفتار برای تو روزی آورنده تر است؛ البته اینکه تفسیر این بخش آخر چطور سبب ازدیاد روزی است خودش جای تحلیل دارد.

مردانی بیان کرد: نمونه دیگر پذیرش ولایتعهدی از سوی امام رضا(ع) است؛ مأمون برای این کار جلسه ای تشکیل داد تا ولایتعهدی امام رضا(ع) را در ملاعام اعلام کند و شاهد مثال ما در بحث نحوه بیعت امام رضا(ع) است؛ وقتی مأمون جایگاه ویژه برای امام(ع) تدارک دید، به فرزندش امر کرد که با امام رضا(ع) به عنوان ولیعهد بیعت کند ولی امام رضا(ع) به جای اینکه دست خود را در اختیار او قرار دهد، دست را بالا آورد و روبروی چهره مبارکش قرار داد به صورتی که پشت دست به سمت خودشان بود و فرمودند من در این حالت با مردم بیعت می کنم و وقتی مأمون علت را پرسید ایشان جواب دادند رسول الله(ص) هم اینگونه بیعت می کردند. کما اینکه ما در دوران امام خمینی(ره) هم شاهد بودیم که ایشان بعد از سخنرانی و هنگام وداع اینگونه رفتار می کردند.

استادیار پژوهشکده علوم اسلا، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی اظهار کرد: مثال دیگر هم در خصوص نماز باران است؛ وقتی مأمون از امام(ع) خواست که نماز باران را در موقع قحطی بخوانند ابتدا امتناع فرمودند و نپذیرفتند ولی بعد که اصرار شد فرمودند من این کار را با شیوه پیامبر(ص) انجام خواهم داد و مأمون پذیرفت؛ مراد این است که امام رضا(ع) در موقعیت های مختلف مترصد بودند تا رفتار و سنت و سیره پیامبر(ص) را تبیین و به مردم نمایش دهند و آن را ترویج کنند همچنین رفتار خودشان را مستند به رفتار رسول الله(ص) کنند. سنت پیامبر(ص) در خردکردن نان

مردانی همچنین به نمونه دیگری در مورد خوردن طعام اشاره کرد و افزود: روایتی از زبان امام رضا(ع) از پیامبر(ص) داریم که فرمودند: تکه های نان خود را کوچک بگیرید زیرا در هر تکه نان، برکتی وجود دارد؛ از فرمایش پیامبر(ص) این نکته به دست می آید که وقتی می خواستند قرص نان آماده کنند هر قدر خمیر کوچک تر بود قرص نان هم کوچک تر بود و مضمون فرمایش ایشان این است که اگر آن را در تکه های کوچکتر نگهداری کند بیشتر برکت می کند. راوی این روایت می گوید من دیدم امام رضا(ع) هم این کار را می کردند یعنی نان ها را به تکه های بیشتر و به سمت بالا خرد می کردند؛ علامه مجلسی در بحار آورده است که این جمله دو احتمال دارد و احتمال بیشتر آن است که وقتی تکه نان را از بالا بشکنید امکان هدررفت و خردتر شدن نان کمتر است و از اسراف جلوگیری می شود.

مردانی اضافه کرد: بنابراین اجمالاً در روایات داریم که تکه های نان از سوی ائمه(ع) با دست بریده می شد و این که با چاقو آن را ببریم ظاهراً در روایات به خاطر کراهت نفی شده است.

حمید ملکی، دبیر علمی این نشست هم در خاتمه تأکید کرد: یکی از کارهای لازم در عرصه پژوهشی این است که در زمینه سنت اهل بیت(ع) باید بیشتر پژوهش و تحقیق داشته باشیم زیرا فضای بکری در این زمینه وجود دارد.